

آفریقا و تحریم های ایالات متحده امریکا

عطیه ادمک
دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات جنوب آفریقا

تحریم از دیرباز به عنوان ابزاری دیپلماتیک و غیر تهاجمی برای حفاظت از منافع ملی و یا قوانین بین الملل علیه کشورها و یا اشخاص به کار گرفته شده است. در کنار تحریم های اعمال شده توسط شورای امنیت سازمان ملل شاهد موارد بسیاری از تحریم های یکجانبه توسط کشورهای مختلف در راستای تحقق منافع استراتژیک آنها در طول تاریخ بین الملل هستیم. با افزایش هزینه های جنگ، تحریم می تواند به عنوان راهی جایگزین برای ابراز نارضایتی یک کشور در برابر دیگری با خارج کردن روابط عادی تجاری و مالی برای رسیدن به اهداف سیاسی خارجی و امنیتی خود باشد. اگرچه ممکن است وضع تحریم هزینه کمی برای کشور تحریم کننده دربر داشته باشد، اما برای کشور تحریم شده می تواند نتایج بسیار گسترده و بلند مدتی را در پی داشته باشد. از میان انواع تحریم ها،

تحریم اقتصادی از تاثیرگذاری بیشتری برخوردار است. تحریم های اقتصادی مجازات های تجاری و مالی هستند که توسط یک یا چند کشور در برابر حکومت، گروه یا فرد استفاده می شود. تحریم اقتصادی می تواند محدود به بخش خاصی نظیر تسلیحات شده و یا به استثنای مواردی همچون دارو و غذا باشد. قاره آفریقا، بیش از هر قاره دیگر در جهان، هدف تحریم های اقتصادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا قرار گرفته است. سطح بالای «وابستگی» کشورهای آفریقا یکی از عواملی است که در افزایش تاثیرگذاری تحریم ها در این قاره موثر بوده است. موارد بسیاری از تحریم های امریکا در قبال کشورهای آفریقایی را می توان مثال زد از جمله ساحل عاج، جمهوری آفریقای مرکزی، سودان، بروندي، سومالی و زیمبابوه. برخی از این تحریم ها، مانند ساحل عاج، به دلیل نقض حقوق بشر در این کشور بوده و برخی دیگر همانند سودان و جنگ کنونی در دارفور، جمهوری آفریقای مرکزی، جمهوری دموکراتیک کنگو، سومالی و سودان جنوبی، شامل تحریم افراد خاصی شده اند که به درگیری های مسلحانه

در کشورهای مزبور کمک کرده اند. اما زیمبابوه در این میان متفاوت از دیگر کشورهاست که اگرچه در ظاهر بر پایه خشونت های انتخاباتی سال ۲۰۰۰ و روند اجرای دموکراسی در این کشور برقرار شده است، اما بدون شک مواضع سوسیالیستی و ضد غربی حزب حاکم زیمبابوه در آن بی تاثیر نبوده است. جمهوری زیمبابوه کشوری محصور در خشکی و هم مرز با کشورهای آفریقای جنوبی، بوتسوانا، زامبیا و موزامبیک است. کشوری به پایتختی شهر هراره و با ۱۶ میلیون نفر جمعیت. در تاریخ گذشته این کشور، متشکل از چندین قلمرو پادشاهی و از قرن ۱۱ میلادی تا کنون مسیری برای مهاجرت و تجارت در شرق قاره آفریقا بوده است. در دهه

۱۸۹۰ سیسیل رودز از شرکت انگلیسی

آفریقای جنوبی مرزبندی فعلی

این کشور را مشخص کرد و در

سال ۱۹۲۳ آن را مستعمره

خودگردان انگلیسی

رودزیای جنوبی اعلام

کرد. در سال ۱۹۶۵،

حکومت اقلیت

سفید محافظه

کار استقلال

رودزیا را به

صورت یکجانبه

از انگلستان اعلام

کرد. دولت

با انزوای بین

المللی و یک

جنگ ۱۵ ساله

چریکی با نیروهای

ملی ناسیونالیست

روپرو شد که در نهایت

در آوریل ۱۹۸۰ به یک

توافقنامه صلح منجر شد که

نتیجه آن به رسمیت شناخته

شدن حاکمیت قانونی زیمبابوه بود.

رابرت موگابه در سال ۱۹۸۰ از حزب زانو-

پی-اف (ZANU-PF) به عنوان نخست وزیر انتخاب شد و تا سال ۲۰۱۷ بر این مسند تکیه داشت.

تاریخ تحریم های زیمبابوه توسط امریکا سابقه ایی طولانی دارد. در نوامبر سال ۱۹۶۵ پس از اعلام استقلال یکجانبه رودزیا، ایالات متحده سرپرست کنسول خود را از سالسبری (هراره کنونی) فراخواند و دفتر خدمات اطلاعات ایالات متحده (USIS) و آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده (USAID) را تعطیل کرد. پس از اجرای توافقنامه ی لانکاستر در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۷۹ و به رسمیت شناختن رسمی دیپلماتیک دولت جدید زیمبابوه، بلافاصله از آن اعلام حمایت کرده و دفتر سفارت امریکا در روز استقلال زیمبابوه در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۸۰ تاسیس شد. در ادامه جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت امریکا، در اوت ۱۹۸۰ با نخست وزیر زیمبابوه، رابرت موگابه، ملاقات کرد. اما در ماه ژوئیه سال ۱۹۸۶، دولت ایالات متحده تصمیم گرفت که کمک های دوجانبه آتی به زیمبابوه را به دلیل «یک الگوی تدریجی بیانیه ها و اقدامات غیرقانونی و اقدامات دولت زیمبابوه در سازمان ملل متحد و دیگر نقاط دیگر»، متوقف کند. اما تاثیرگذارترین

تحریم از سال ۲۰۰۰ و با اجرای برنامه اصلاحات ارضی آغاز شد و ایالات متحده بسیاری از کشورهای جهان را برای فشار بر دولت زیمبابوه به دلیل نقض حقوق بشر و حاکمیت قانون با خود همراه کرد. در سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳، ایالات متحده اقدامات هدفمندی همچون تحریم های مالی و لغو روادید علیه افراد خاص، ممنوعیت انتقال اقلام و خدمات دفاعی و تعلیق کمک های غیر دولتی را در قبال دولت زیمبابوه در پیش گرفت. تحریم های امریکا بر ضد زیمبابوه در ۴ مارس ۲۰۱۹ توسط دونالد ترامپ برای یک سال دیگر تمدید شده است. او «تضعیف روند یا نهادهای دموکراتیک در زیمبابوه» و «تهدید غیرمعمول و فوق العاده برای سیاست خارجی ایالات متحده» را از علل وضع دوباره تحریم ها اعلام کرده است.

بیشترین تاثیر و آسیب این اقدامات به تولید، به عنوان بخش کلیدی اقتصاد، وارد شده است. اقتصاد کشور بر دو پایه ذخایر معدنی تجاری شامل کروم، ذغال سنگ، مس، نیکل، طلا، پلاتین و سنگ آهن و کشاورزی تجاری شامل پنبه، تنباکو، قهوه، بادام زمینی و میوه های مختلف است که تقریباً به طور انحصاری در اختیار اقلیت سفیدپوست قرار داشت. در سال ۲۰۰۰ به دنبال برنامه اصلاحات ارزی، مالکیت بخش عظیمی از زمین های وسیع کشاورزی از سفیدپوستان به اشخاص جدید که شامل شهروندان سیاه پوست و چندین نماینده برجسته حزب حاکم بودند، منتقل شد و در نتیجه عدم مدیریت کارآمد، باعث کاهش تولیدات کشاورزی و زیان شدید در بخش صادرات شد. بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ تولیدات کشاورزی ۵۱ درصد کاهش یافت. برای مثال تولید تنباکو، محصول اصلی صادرات زیمبابوه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ به میزان ۷۹ درصد کاهش داشته است. اقتصاد زیمبابوه پس از سال ۲۰۰۰ رشد منفی قابل ملاحظه ای را تجربه کرد و نرخ بیکاری به بیش از ۹۵ درصد رسید. از طرف دیگر مشارکت زیمبابوه در جنگ در جمهوری دموکراتیک کنگو بین سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲، صدها میلیون دلار هزینه برای کشور به بار آورد.

در گزارش پنل پیشرفت آفریقا در سال ۲۰۱۴، زیمبابوه پایین ترین نرخ توسعه را در میان کشورهای آفریقایی به خود اختصاص داده است و برای دوبرابر کردن درآمد سرانه خود به ۱۹۰ سال احتیاج خواهد داشت. در سپتامبر ۲۰۱۶، وزیر دارایی این کشور «سطح پایین تولید و شکاف تجاری متعاقب آن، ناچیز بودن سرمایه گذاری مستقیم خارجی و عدم دسترسی به مؤسسات مالی بین المللی به دلیل حجم بالای بدهی های عقب افتاده» را به عنوان دلایل مهم عملکرد ضعیف اقتصاد اعلام کرد.

در زمان استقلال این کشور، تورم سالانه ۵،۴ درصد و تورم ماهانه ۰،۵ درصد بوده است. پس از توافقنامه لانکستر در دسامبر ۱۹۷۹ و لغو تحریم ها، زیمبابوه شکوفایی اقتصادی قابل ملاحظه ایی را تجربه کرد. رشد اقتصادی واقعی سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۱ بیش از ۲۰٪ بوده است. با این حال به دلیل کاهش تقاضا برای صادرات مواد معدنی و خشکسالی های وسیع در بین سال های ۱۹۸۲-۱۹۸۴، رشد اقتصادی کاهش پیدا کرد. به دنبال وضع جایزه برای جانبازان استقلال دولت در سال ۱۹۹۷ که هزینه ایی معادل ۳ درصد از کل تولید ناخالص داخلی را دربر داشت و همچنین هزینه های بالای مشارکت زیمبابوه در جنگ دوم کنگو در سال ۱۹۹۸، اقتصاد سقوط کرد. به دنبال آن خشکسالی سال ۱۹۹۹ مزید بر علت شده و در همان سال بدهی های کشور به صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و بانک توسعه آفریقا رو به افزایش گذاشت. اقتصاد ملی بین سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۷ به میزان ۴۰ درصد کاهش یافت، تورم به بیش از ۶۶،۰۰۰ درصد افزایش یافت و کمبود مداوم ارز، سوخت، دارو و غذا زندگی مردم را تحت تاثیر خود قرار داد. کشور شاهد کاهش ۴۰ درصدی تولید ناخالص داخلی سرانه، ۵۱ درصدی تولیدات کشاورزی و ۴۷ درصدی تولید صنعتی بود.

پس از امضای تحریمی «قانون ترمیم دموکراسی و اقتصاد زیمبابوه» در سال ۲۰۰۱ که توسط جورج بوش امضا شد، صندوق بین المللی پول ارسال منابع خود را به زیمبابوه متوقف کرد. موسسات مالی شروع به عقب نشینی از حمایت از زیمبابوه کردند. شرایط اعمال تحریم ها موجب شد که تمام کمک های اقتصادی در حمایت از «دموکراتیزه شدن، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون» لغو شود. اتحادیه اروپا حمایت خود را از تمام پروژه های زیمبابوه متوقف کرد. به دلیل تحریم ها و سیاست خارجی اتحادیه اروپا و آمریکا، هیچ یک از بدهی های زیمبابوه مانند سایر کشورها شامل عفو نشده است. در ماه فوریه سال ۲۰۰۴، بازپرداخت بدهی های خارجی زیمبابوه متوقف شد و در نهایت منجر به تعلیق اجباری از صندوق بین المللی پول شد. در ادامه نیز سازمان ملل متحد کمک های غذایی خود را، به دلیل عدم تامین بودجه آن، به این کشور متوقف کرد.

کشور در سال ۲۰۰۰ دچار کمبود شدید ارز و در نتیجه اختلاف بین نرخ رسمی و نرخ بازار سیاه شد. در سال ۲۰۰۴، یک سیستم ارز خارجی کمی برای واردکنندگان به وجود آمد که به طور موقت سبب کاهش جزئی بحران ارز خارجی شد، اما تا اواسط سال ۲۰۰۵ کمبود ارز خارجی بار دیگر تشدید شد. در مقابل دولت در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۰ صفر از دلار زیمبابوه حذف کرد تا به نرخ قبل از تورم بازگردد.

در فوریه ۲۰۰۹، دولت جدید اتحاد ملی (که شامل سه حزب مخالف دولت بود) معاملات با ارز خارجی را عنوان یک اقدام برای تحریک اقتصاد و پایان دادن به تورم برگزید. دلار زیمبابوه به سرعت اعتبار خود را از دست داد و تا آوریل ۲۰۰۹، دلار زیمبابوه به طور کامل به حالت تعلیق درآمد و با دلار آمریکا در معاملات دولتی جایگزین شد. این اقدام روند رشد تورم را معکوس کرد و اجازه داد که نظام بانکی به ثبات برسد و اقتصاد پس از سال ۲۰۰۹ از رشدی هرچند کند بهره مند شد. این اقدام نتایج مثبت و منفی بسیاری را در پی داشت، از جمله کاهش مالیات و نرخ بهره واقعی بالا به دلیل کمبود سرمایه، و نیز افزایش شفافیت مالی و عدم تمایل مردم به نگهداری پول



ZIMBABWE SAYS

NO TO ILLEGAL

SANCTIONS

ZIMBABWE SAYS NO



اعلام کرد که ۲۵۰۰۰ کارمند دولت معدل ۸ درصد از کل کارکنان دولتی را اخراج می کند. تعداد سفارتخانه ها و هزینه های دیپلماتیک و وزارتخانه ایی در تلاش برای صرفه جویی ۴ میلیارد دلاری در دستمزد سالانه کاهش پیدا کرد. یکی دیگر از اقدامات دولت در کاهش تورم کنترل قیمت ها بود که اجرای آن تا حد زیادی ناموفق بوده است. فشار دولت بر فروشندگان برای ارایه کالاها با قیمت کمتر منجر به عدم عرضه کالا و بنزین در بازار و افزایش تقاضا در بازار سیاه شد. در حوزه کشاورزی نیز با افزایش تولید تنباکو به ۲۱۷ میلیون کیلوگرم به عنوان سومین محصول تولیدی این کشور، باعث افزایش صادرات و تجارت با شرکت های دخانیات بین المللی مانند توتون و تنباکو British Tobacco و China Tobacco نیز تامین تجهیزات و وام های مورد نیاز کشاورزان شده و در رشد اقتصادی بی تاثیر نبوده است. امروزه مزارع کوچک تنباکو متعلق به سیاه پوستان که روزگاری جزیی از مزارع وسیع با مالکیت سفیدپوستان بود، بخش عمده ایی از صادرات این کشور را تامین می کنند. بخش دخانیات زیمبابوه اکنون از بیش از نیمی از محصول به چین صادر می شود.

یکی دیگر از سیاست های دولت در مواجهه با هجمه اقتصادی، پیشرفت در عرصه های علمی و فناوری بوده است. سیاست ملی بیوتکنولوژی با تمرکز بر فناوری های بیوتکنولوژی، فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، علوم فضایی، فناوری نانو، سیستم های دانش

خود در سیستم بانکی، همچنین دولت از هزینه کردن جز در موارد از قبل تعیین شده منع شد. تمام این اقدامات منجر به رشد ۱۰ درصدی اقتصاد تا سال ۲۰۱۲ شد. اما هزینه ۱۰۴ میلیون دلاری انتخابات سال ۲۰۱۳ و دو برابر کردن خدمات موقت توسط دولت بار دیگر اقتصاد کشور را به ورطه نابودی کشاند. در اگوست ۲۰۱۴، زیمبابوه شروع به فروش اوراق قرضه خزانه داری و اوراق قرضه برای پرداخت حقوق بخش عمومی کرد. یکی دیگر از اقدامات دولت وحدت ملی «سیاست بومی سازی اقتصاد» بود که به موجب آن حداقل ۵۱ درصد مالکیت شرکت ها و معادن می بایست در اختیار سیاه پوستان زیمبابوه ایی باشد. این امر موجب تشدید عدم اطمینان در سرمایه گذاری بخش خارجی و افزایش فساد شد. در آوریل ۲۰۱۴ بدهی های رسمی زیمبابوه به ۷ میلیارد دلار یا به عبارتی بیش از ۲۰۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور رسید. در اوت ۲۰۱۶ دولت





صلح یا پایان دادن به حمایت یک کشور از جنگ در یک کشور دیگر مانند پشتیبانی رواندا از شورشیان در جمهوری دموکراتیک کنگو (DRC) منجر شود، نتیجه بهتری خواهند داشت. اما اگر هدف تحریم های اقتصادی فشار به رژیم های دیکتاتوری برای از بین بردن قدرت آن ها باشد، آنها حداقل تاثیر خواهند داشت. با این حال، در آنگولا، سیرالئون، لیبیا و ساحل عاج، محدودیت تجارت الماس و سایر کالاها، نیروهای شورشی یا ضد دموکراتیک را تضعیف کرد و روند به توافق رسیدن آنها را برای صلح تسهیل کرد.

در مورد زیمبابوه تحریم های اقتصادی سازمان ملل بر ضد حکومت اقلیتی سفیدپوست رودزیا با وجود جامعیت داشتن نتوانستند به حکومت آن ها پایان دهند. تجارت از طریق دولت اپارتاید افریقای جنوبی ادامه یافت و در نهایت جنگ چریکی بود که دولت را مجبور به نشستن بر سر میز مذاکره کرد. در مقابل ایالات متحده از سیاست خود در قبال زیمبابوه دفاع و اعلام کرده است که تحریم های اعمال شده هدفمند بوده و کل کشور را هدف قرار نداده است، با این حال، شواهد نشان می دهند که تحریم ها بسیار گسترده بوده و در عمل تنها بر زندگی مردم زیمبابوه و شاخص های توسعه کشور تاثیر منفی گذاشته است. در مقابل تحریم های امریکا می توان به تحریم های اتحادیه اروپا اشاره کرد که اکثر آن ها در سال ۲۰۱۴ لغو شد و تنها محدود به موبایل و همسرش باقی مانده است. لذا بر خلاف ادعای امریکا مبنی بر «هدفمند» بودن تحریم ها، «هوشمند» بودن، «محدودیت های تجاری»، «ممنوعیت سفر» و «اقدامات محدود» با این حال، این اقدامات باعث فروپاشی اقتصاد زیمبابوه در دهه های گذشته شده است که با وجود تلاش های دولت سال ها زمان لازم است تا شرایط به وجود آمده جبران گردد.

بومی، فن آوری ها و راه حل های علمی برای چالش های زیست محیطی، که علیرغم زیرساخت های ضعیف و فقدان منابع انسانی و مالی، تحقیقات بیوتکنولوژی پیشرفته تری را در بین کشورهای جنوب صحرا به خود اختصاص داده است. دولت تعهد کرده است که حداقل ۱ درصد تولید ناخالص داخلی را برای تحقیق و توسعه اختصاص داده و اطمینان حاصل کند که حداقل ۶۰ درصد آموزش دانشگاهی در زمینه توسعه مهارت ها در زمینه علم و فناوری متمرکز بوده و حداقل ۳۰ درصد زمان دانش آموزان نیز در مدرسه به مطالعه موضوعات علمی اختصاص یابد. یکی دیگر از اقدامات دولت تخصیص اعتبارات خرد در حوزه اشتغال زنان بوده است که با در نظر گرفتن وام های کوچک برای ایجاد اشتغال زنان قدمی مثبت در ایجاد رشد اقتصادی کشور برداشته است.

پس از برکناری موبایه و انتقال قدرت سایه سنگین تحریم ها همچنان بر سر اقتصاد این کشور سنگینی می کند. با این حال درس های فراوانی را می توان از آن آموخت. می توان اذعان داشت اقدام دولت در کنار گذاشتن اختلافات سیاسی و حزبی و تشکیل دولت وحدت ملی تاثیر به سزایی را در برون رفت از بن-بست اقتصادی داشته است. اقدامات بعدی این دولت در تعلیق پول ملی که موجب توقف رشد شدید تورم شد، استفاده از ارز خارجی مانند دلار آمریکا، راند آفریقای جنوبی، یورو و پول رایج کشورهای همسایه آن، بودجه انضباطی دولت، همگی باعث ثبت یک دوره رشد اقتصادی را برای اولین بار طی یک دهه از بی ثباتی در این کشور شد.

با وجود تمامی این اقدامات، در تاثیر گذاری و کارآمدی تحریم ها اشکالات فراوانی وارد شده است. به ویژه زمانی که تنها توسط یک یا تعداد محدودی از کشورها اعمال شده و جهان شمول نباشد و از طرف کشورهای همسایه نادیده گرفته شوند. باید در نظر داشت که تحریم ها در صورت داشتن حمایت بین المللی و در موارد مربوط به صلح و امنیت جهانی و یا برای مثال فشار برای تحریم ها زمانی که به پیامدهای خاصی از جمله توافق